

امور حبی ہے اموری هستند نہ دارگاہ ماکملند اند نسبت بہ آن
ریدی کردہ و تصیم آغاز نمایند بدون این نہ ریدی موقوف
اقدام

بر وسیع اختلاف راتامہ دعویٰ پاسد.

۴ دادگاه های حقوقی

مارچ ۴ مارتن کاس از خانواده

ارگا، خانزادہ

رسیدی بہ اہر سی

خبر کے لئے، محمد سوم نے...

دارگاه صلح

ماده ۲۰ - اندام و دفاتر دارسان در امور حسبی

فقط مواردی که مانده تصحیح کرده باشد

ماہ ۲۱ سے درجہ دہائی نہ دادستان ملین بہ اقدام

دارستان دایرایی دادگاه شهرستانی به رسیدگی در صدد آن انجام می شود

اول نگاه می کنیم کدام دارگاه صالح

لے دادسرای نثار دارگاہ

تانونِ حاکم بر ارضی

که تابع تانون ارضی مرفعات کان مَرْمَدِه باشند.

که در مواردی ارجاع داده به این داری مدی

ماده ۵ به معرات ارجع به نیابت قضای

که اقلات در صلاحیت

حساب موعده

که ابداع تصمیمات

که نظم طلبه رسیدگی

که (داری فوری دستور است)

که است پژوهش (تجدید نظر قضایی)

که انتفاع کارشناس

در آیین دادرسی مدنی

اصل صحت تحصیل دلیل توسط دادگاه برای طرفین

تلاش برای کشف حقیقت بلامحل دلیل نه

دادرسی = ضرورت تحصیل دلیل دادرسی

دادگاه رأساً باید

که در تمام رافع = دلائلی به سر دادستان رافع مورد قبول نماید.

در آیین دادرسی مدنی = قاعده فراع دادرسی

دادرسی

که هرگاه دادرسی - رأساً بنا به تدر طرفین به اشتباه تقسیم

خودی ببرد، اگر تقسیم قابل تجدید نظر نباشد، رأساً اصلاح نمایند

در خصوص تصمیم دادگاه به مفهوم اخص در امور حسبی که معمولاً به صورت قرار صادر می شود، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) اگر دادگاه فقط رأساً به خطای تصمیم خود پی برد، توسط دادگاه صادرکننده قابل تغییر است. ✗
- (۲) در هر حال، چنانچه دادگاه به خطای تصمیم خود پی برد، توسط دادگاه صادرکننده قابل تغییر است.
- (۳) اگر دادگاه فقط با تذکر، به خطای تصمیم خود پی برد و تصمیم قابل پژوهش (تجدیدنظر) نباشد، توسط دادگاه صادرکننده قابل تغییر است. ✗
- (۴) اگر دادگاه رأساً یا با تذکر، به خطای تصمیم خود پی برد و تصمیم قابل پژوهش (تجدیدنظر) نباشد، توسط دادگاه صادرکننده قابل تغییر است. ✓

در این داری مدنی به تجدینظر فاسی اثر تعلیمی دارد.

ماره ۳۵

در امری
که تجدینظر فاسی در امری، صرفاً تعویق اجرا

نیست.
اثر تعلیمی ندارد.

در دادگاه تجدینظر به فراتر از اصرار صادرند.

تقسیم ادربی - دارگاه بدی
دارگاه کبد نظر

اعراض ثالث - در حق دارگاه صادر شده را، رسیدگی شود.

لا حکم صادر کنند در خصوص اعراض ثالث.

آراء از دارگاه بدی صادر شد - قابل کبد نظر
آراء از دارگاه کبد نظر صادر شد - قابل فرام

حب برد

ماده ۲۷ - دارگاه کبد نظر

هر گونه رسیدگی تحقیقی که منجر به لازم بداند

رأی - له حق ار در ضاقت شده

- تقسیم واضح بداند - تأیید
ناقص بداند - موافق نظر فرد تکمیل کنند

- آراء صریح ندانند - آن را انشاء و تقسیم تحقیقی را اعلام می نمایند

ماہ ۱۵ در اوجی

ی کواند شفاً در دارگاہ حاضر شند

اشخاص ذی نفع ۱ یا عایذہ بیزند (ایم از دلدار داری یا غیر انما)

۲ کسی را بہت مسافر همراه خود ببرند

(نزد مادر می میرد)

قسم ←

۱۲۳۲ ← اقربای محجور با داشتن صلاحیت، مقدم بر سایرین

→ ماہ ۱۶ اوجی

۳ در صورت داشتن صلاحیت، مقدم

پدر یا مادر محجور

مادام کہ شوهر ندارد

لـ شـوهر محجور باراشن ولایت مقدم است

ماره ۱۲۳۱ نباید به سمت قیمیت مین شوند

① ضدش تحت ولایت یا قیمیت به فردش محجور

② از کتاب حیات یا یکی از جرائم
 حکم قطعی صادر شده باشد
 به وقت
 به قیامت در امانت
 کلاهبرداری
 به افتلاس
 به هتک ناموس
 به جرائم علیه اطفال
 در مسئله به نقض

③ کسانی که حکم درستی صادر شده و هنوز عمل درستی نفعیه نشده باشند

④ معروف به نارا افلاق باشند.

⑤ کسی که ضد را از برای طلبه اهل به دعوی بر محجور دانسته باشند.

عزل تیم ← رأی دادگاه جنبه تأییدی دارد.

تیم منفصل می شود ← ماده ۱۲۴۹ ← ارصم بعداً ← مجنون / سفیه
ضد به ضد

از همان روز که مجنون شد { سمت را از دست داده
سفیر شد
رأی دادگاه جنبه اعلامی دارد

اموال منتقل ← تیم باید اموال ضایع شدنی مجبور را بفروشد.
یا مالی را خریداری کند
یا بپوش باریات معلى
یا بآریب دینا
یا معلى
تیمی تواند باریات معلى
اموال منتقل که مورد احتیاج مجبور نیست بفروشد.
پوش ← مل بالا
معطله مرلی علی
اموال غیر منتقل ← تیم نمی تواند مل
فروشی سرین دانش
نصیب داران

۱۲۴. به معامله با خود

قیم نمی تواند به سمت قیمت از طرف مری علیه با خود معامله کند

↓ باطل

قیم

مری علیه
قیم به عنوان غایبه

۱۲۴۱. به قیمت نمی تواند معامله را بپذیرد بدون مری علیه شود

عطفه مری علیه
+
مشت

لقریب دارستان

حسن آنا به کار به مری علیه
قیم ضامن حسن آنا شود.

شرط ملائت لازم است.

قرض برای مولی علیه

ضرر دانه باشد بدون تأیید دارسان
ضرر

نیاز هست ولی ضرری نیست
ضرر ندارد - با تأیید دارسان

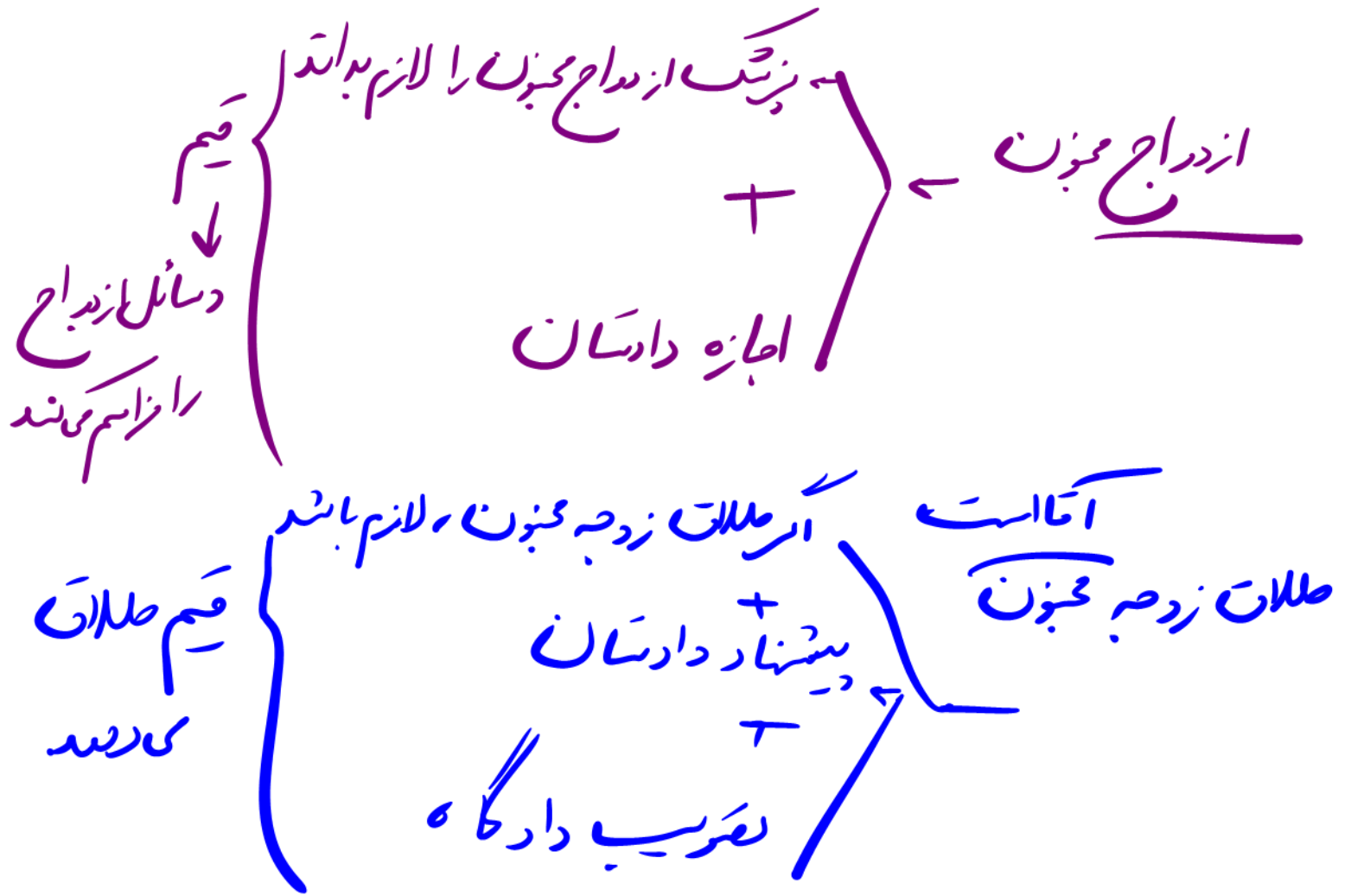
نیاز نیست - نگیرد

ماده ۱۲۴۲

(مستول غیر مستول)

صلح دعاری مولی علیه

صلحاً ضرر دارسان نیاز است.



آیا مجبور به اجازه تجارت دارم؟
ولی یا قسم در صورتی که مقتضی بدانند

مجبوری ندانند احوال رضائنی که به بعضی ارحام حاصل شده به نظر کنند.

وارد عزل قسم ۱۲۴۸

① اگر معلوم شود فساد صحت امامت بوده یا این صحت از ارباب شده باشد

② اگر قسم مرتکب ضایات یا یکی از جرائم زیر (حکم مکتوب طبعی)

سوء ضایات در امامت، کلاهبرداری، شک ناموس
مراجع علیه اطفال - در شکلی به تصویر یا علق

③ به هر علتی مکتوب به صبی

+
به این صفت نتواند امور دولتی علیه لا اداره کنند.

④ اگر قسم در شکسته اعلان شود

⑤ اگر عدم بیعت یا توانایی او در اداره امور دولتی علیه معلوم شود.

⑥ تم حدائق سلکی یک بار به اید صاحب نقدی را به داستان یا غایبده از بدید

اگر طرف یک ماه از مطالبه داستان به صاحب نقدی را نداد

به تمامای داستان، توسط دارگاه عزل می شود.

✓ داستان می تواند تمام کنند از دارگاه به تم تقنین دهند.
از دارگاه گفت تقنین بده به تم تقنین نداد به به تمامای داستان توسط دارگاه عزل شود

⑧ زن بی شوهر دلو مادر حلی علی به تم

اگر از دواج نند به اید طرف یک ماه به داستان اطلاع دهند.

داستان - } تمامای تم جدید
یا صم ناظر

اگر زن طرف یک ماه اطلاع ندهد به داستان می تواند تمام عزل از دارگاه

④ قِیم باید قبل از مداخله در امور مالی مولی علیہ

لیست دارایی تهیه کنند - اعضاء کنند - کد نسخه تبدیل دارسان
عمل سکونت بدهند

ارسم عمداً
مال را جزء لیست دارایی نیارود.
سب شود مالی در لیست دارایی مینسود
ارضا نمی به مولی علیہ وارد شود - باید حضارت هم بدهند

۱۲۵۰
قیم
جری مرتب شود.
در امور مربوط به احوال علیہ
جیم علیہ مولی علیہ
صنای علیہ مولی علیہ
دارگاه به تمامای
دارسان
قیم موقت برای
مولی علیہ تقنین می کنند
نیزه دیده به ضد حضور

۹۹ ادرسی

قیم از تقسیم دارگاه راجع به غزل
دارسان از رد و ضات غل
ی نرائند کبد به نظر
خداکی نند
دارسان
مادای که ملکی قلمی معنی نندده - ادر صفر -
قیم هفت

ماده ۱۰۰ ادرسی

اعمال قیم - بعد از ابلاغ حکم غزل، نافذ نیست

فصولی

ماده ۹۲ - ادرسی

بعد از زوال قیموت - قیم لماکان مشمول قضا احوال صفر
تا به تصرف شخصی بر باید تصرف نماید بدین (قیم جدید)

